

عنوان کلام آخر بیان می‌کند که: تروریسم همیشه زمینه فرهنگی دارد و تنها از طریق شناخت خرده فرهنگ‌های افراطی و گروه‌های تروریسم‌زاده از آن‌هاست که می‌توان با تروریسم به طور قاطع روبه‌رو شد. تروریسم طاعونی از تبعات مدرنیته است و نتایج ظلم و بی‌عدالتی در سطح جهان است. آثار و عواقب این بلیه، همه انسان‌ها از غنی و فقیر و غربی و شرقی را دامن‌گیر خواهد کرد. در این میان، عدالت طلبی و دین‌باوری نیز مستمسک برخی از تروریست‌هاست و باید خط و خط‌کشی‌ها را معین کرد که آنچه آن‌ها می‌کنند، به نام انصاف و دین ثبت نشود.

مژارش‌محر: ابوالفضل حسینی

فلسفه تکنولوژی چیست؟

بیژن عبدالکریمی

ضمیمه اعتماد، ش ۱۸۵۱، ۴/۱۰/۱۳۸۷

آقای عبدالکریمی در این نوشتار به بررسی فلسفه تکنولوژی در ایران اشاره دارد. فلسفه تکنولوژی عبارت است از تأمل و تفکر فلسفی در باب چیستی و حقیقت تکنولوژی. در ظهور و گسترش تکنولوژی چند نکته اساسی وجود دارد:

۱. غالباً این تلقی غلط وجود داشته و دارد که «انقلاب صنعتی»، «انقلاب در صنعت» بود، اما برخی از متفکران غربی دریافته‌اند که انقلاب صنعتی، انقلاب در همه چیز بود و ظهور تکنولوژی جدید، سبب تحول بنیادین در همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی، فرهنگی و... شد. با انقلاب صنعتی و تکنولوژی مدرن «عالمیت عالم» تغییر کرد و یک دوره تاریخی جدیدی در حیات بشر آغاز شد. تأمل و تفکر در باب این دوره جدید تاریخی و این تحول در «عالمیت عالم»، محل امعان نظر بسیاری از فیلسوفان و متفکران در حوزه خاصی به نام فلسفه تکنولوژی بوده و هست.

۲. نکته دیگر این‌که علم و تکنولوژی جدید، در کنار و پایه‌های ظهور جهان‌بینی عصر روشن‌گری شکل گرفته است. قرار بود علم و تکنولوژی مدرن، بشر را به سعادت و آزادی برساند، اما علم و تکنولوژی به ابزاری برای ظهور آشکال جدیدی از اسارت و سلطه بر آدمی و ظهور دردها و رنج‌های تازه‌ای برای وی منتهی شده است.

۳. نکته بسیار مهم این‌که تکنولوژی حاصل فعالیت آزادانه آدمی است، اما این‌که تکنولوژی است که تحت کنترل اراده و آگاهی ماست، بلکه کاملاً برعکس؛ این آگاهی و اراده آدمی است که تحت کنترل و سیطره روزافزون تکنولوژی قرار گرفته است.

۴. نکته آخر در ارتباط با ظهور حوزه‌ای از تأملات، تحت عنوان فلسفه تکنولوژی این

است که این با مارتین هایدگر متفکر بزرگ آلمانی در قرن بیستم است که برای نخستین بار پرسش از چیستی و سرشت تکنولوژی جدید مطرح می‌شود و بدین ترتیب، تکنولوژی به نحو صریح و آشکاری به منزله موضوع و متعلق تفکر فلسفی قرار می‌گیرد و آشکارا سخن از «فلسفه تکنولوژی» به میان می‌آید. نویسنده در ادامه بیان می‌کند که وقتی از «فلسفه علم یا فلسفه تکنولوژی در ایران» سخن می‌گوییم، دو معنا را می‌توان متصور شد: الف) رشته‌های تحصیلی به نام‌های فلسفه علم و تکنولوژی در ایران، ب) فهم و تلقی متفکران ایرانی از علم و تکنولوژی جدید. اگر مرادمان از «فلسفه علم یا تکنولوژی در ایران» بررسی وضعیت رشته‌های تحصیلی به نام فلسفه علم و فلسفه تکنولوژی در ایران باشد، باید بدانیم که نخستین بار توسط دکتر سروش در سال‌های آغازین دهه شصت، شش واحد درسی تحت عنوان فلسفه علم در درس رشته فلسفه، در مقطع کارشناسی گنجانده شد. اما رشته تحصیلی تحت عنوان «فلسفه تکنولوژی» در هیچ یک از مراکز دانشگاهی کشور وجود ندارد. اما اگر مرادمان از «فلسفه تکنولوژی در ایران» فهم و تلقی متفکران ایرانی از علم و تکنولوژی جدید باشد، باید عنوان کرد از زمان رویارویی ما با فرهنگ و تمدن جدید، قطعاً به نحوی ضمنی و نااندیشیده، در میان ما ایرانیان فهم و تلقی خاصی از تکنولوژی جدید وجود داشته است. به نظر نویسنده، ما جدیدترین آرا در حوزه فلسفه تکنولوژی ایرانی را می‌توانیم در سخنان و آثار مرحوم فردید و دکتر داوری بیابیم. زیرا این دو بزرگوار تحت تأثیر بصیرت‌های بنیادین هایدگر، در همه عرصه‌ها، از جمله نقد عقلانیت، علم و تکنولوژی جدید، بازگوکننده بصیرت‌های هایدگری در باب تکنولوژی و تفکر تکنولوژیک، تحت تأثیر قرائت مرحوم فردید و پیروان او، از جمله در آثار دکتر داوری، به خصوص در نوشته‌های دهه‌های پیشین ایشان، در ایران صیغه ایدئولوژیک گرفت. به هر تقدیر، این پرسشی بسیار اساسی در حوزه فلسفه تکنولوژی است که آیا فرایند دستیابی به تکنولوژی فرایندی اساساً غربی است؟ به گمان بنده، هرچند نیز بپذیرم فرایند تکنولوژیک شدن ممکن است کم و بیش از نهادهای بومی و حال و هوای خاص یک جامعه اثرپذیرد، لیکن این فرایند، ارتباط تنگاتنگی با سنت متافیزیک یونانی و نهادها و مؤسسات مدنی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی غربی دارد. به نظر نویسنده متفکران و فیلسوفان ما در عدم فهم تکنولوژی و تأکید ایجابی بر اهمیت آن بسیا قصور ورزیده و می‌ورزند. روشن فکران ما بیش از اندازه سیاست‌زده بوده، قدرت را صرفاً در نهاد سیاست می‌فهمند و اساساً به اقتدار ملی و قدرتی که تکنولوژی به یک ملت زیون می‌بخشد، توجه ندارند. قدرت سیاسی نیز بیش از اندازه اسیر روزمرگی سیاسی است و تمام هم و غم آن معطوف به حفظ قدرت و حل مسائل سیاسی در معنای روزمره آن است.